

چاپ دهم
جمع تبریز ۸۰۰۰۰ نسخه



مالک زمان



برگرفته از سخنان امیرالمؤمنین به مالک اشتر و

خاطرات سرباز اسلام

شهید حاج قائم لیمان

پرگاه تقدیم به پیشگاه مولاے متقیان،

فخر زمان، سرباز فداکار اسلام،

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام

فهرست

شناسایی / ۶۸	مالک زمان / ۴
حلالیت / ۷۰	دییاجه / ۷
با شهدا / ۷۲	شخصیت الهی / ۹
آرامش در چهره / ۷۴	وسط میدان / ۱۰
سوار تاکسی / ۷۶	مهربان با خلق / ۱۵
حفاظت / ۷۸	توهین به فرمانده / ۲۰
سربازها / ۸۰	شجاعت در دل دشمن / ۲۳
نامزد انتخابات / ۸۲	قهرمان مقابل دشمن / ۲۷
کتابی برای او / ۸۴	خدمت به جانباز / ۳۱
ژنرال خاکی / ۸۶	برای خدا / ۳۴
سرباز ولایت / ۸۹	آزادش کنید / ۳۶
عمو قاسم / ۹۱	اهالی روستا / ۳۹
بخشش / ۹۴	احضاریه از دادگاه / ۴۱
سیل خوزستان / ۹۶	گذشت / ۴۴
آن پیرمرد / ۹۹	غذای کرمانی / ۴۷
کبوترها / ۱۰۲	پتوی نرم / ۴۹
مراسم عقد / ۱۰۵	نماز شب / ۵۱
فراق / ۱۰۸	اموال مردم / ۵۳
در میان جمع / ۱۱۰	جنگ یا انتقام؟ / ۵۶
یک بسته انجیر / ۱۱۲	میهن پرست / ۵۸
جانشین سردار / ۱۱۵	برخورد با قاچاقچی / ۶۱
ولایت نامه / ۱۱۷	بالگرد / ۶۴
	موشک نقطه زن / ۶۶



مالک زمان

سخنان مولا در فراق مالک را تاریخ به خاطر دارد. آنچنان مالک را توصیف می کرد که گویی هیچ سرداری با این پیر میدان دیده مقایسه نمی شود. مولای متقیان در وصف او عباراتی بیان کرد که مقام و مرتبه اش را در پیشگاه معصومین علیهم السلام مشخص می سازد.

اول مظلوم عالم در بیانات متعدد خود به تمام آزادگان تاریخ فهماند که هر کس می خواهد راه درست بندگی و انسانیت و در عین حال حکومت را بشناسد، مالک اشتر نخعی را الگوی خود قرار دهد.

اما مالک کسی است که بیش از سایر مردان کوفه، رازدار خلوت های امام خود شد. او تا آنجا در خدمت مولایش پیش رفت که امام در

وصفش فرمود: مالک برای من، مثل علی علیه السلام است برای پیامبر صلی الله علیه و آله.^۱

هرچند در میان صفحات تاریخ، مطالب اندکی در مورد تاریخ زندگی مالک وجود دارد، اما نامه ها و سخنانی که از سوی مولای

متقیان برای این انسان وارسته مکتوب شده، سند مهمی است برای آن ها که می خواهند حکومت الهی و مورد نظر اهل بیت علیهم السلام را برقرار

کنند. سال ها گذشت. مالک نتوانست حکومت مورد نظر امامش را در سرزمین مصر پایه گذاری کند. او به مصر نرسیده بود که شهید شد

و مولایش نیز اسیر دست مردمی دنیا پرست گردید.

۱. ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه جلد ۱۵ صفحه ۹۸

مولای متقیان با شهادت به ملاقات خداوند رفت. چندی گذشت و حتی از مزار مولای مالک هم خبری نبود! گویی تمام تاریخ زیبای حکومت عدل علی علیه السلام از خاطره‌ها محو شده بود!

چهارده قرن بعد مردی از تبار مولای علی علیه السلام از قم قیام کرد. مردانی دلاور و شجاع، مانند پاره‌های آهن در اطرافش حضور یافتند. انقلاب علوی او، خواب را از چشم معاویه‌های زمان ربود.

همه چیز رو به فراموشی بود، اما امام آمد تا نسیمی از حکومت عدل علی علیه السلام را حس کنیم.

اما معاویه‌ها دست به دست هم داده و به کشوری که ندای علی ولی الله را بر مآذنه‌ها طنین انداز کرده بود، حمله کردند.

با ندای این پیر الهی، جوانان بسیاری جان بر کف گرفته و راهی میدان شدند. پیر ما که تاریخ را خوب مطالعه کرده بود گفت: «شما از مردم حجاز در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و مردمان کوفه در زمان علی علیه السلام برترید!»

دلیل این سخن مشخص بود. چرا که آن‌ها ولی معصوم را تنها گذاشته و مشغول دنیا شدند، اما مردم ایران، امر ولی فقیه را با جان خود خریدند.

در میان این مردان، گروهی طلایه دار نبرد شدند، برخی با شهادت رفتند و برخی به انتظار نشستند. اما نه، آن‌ها نشستند! بلکه دائم مشغول فعالیت شدند. دوران جهاد به پایان رسید. اما برای آنان مبارزه هرگز پایان نیافته بود. می دانستند که اگر قرار است حکومت امام معصوم در جهان آغاز شود، باید تلاش کرد. زحمت کشید. فساد را از بین برد و زمینه را مهیا کرد.

یکی از آن‌ها بیش از دیگران تلاش کرد. شب و روز نداشت. اصلاً راحتی و آسایش برایش تعریف نشده بود.

مطیع بود و خودش را سرباز ولایت می دانست. هر جا که به او مأموریت داده می شد، بهتر از بقیه کار را انجام می داد. این سرباز، دشمنان را خوب شناخته بود. تلاشش را دو چندان کرد. آنقدر زحمت کشید تا لبخند رضایت مولایش را مشاهده نماید. تلاش های او برای آزادی ملت های مسلمان و نابودی معاویه های زمان آنقدر ادامه یافت تا اینکه به دست بدترین دشمنان خدا به شهادت رسید.

ملت ها به خروش آمدند و تشیع او بزرگترین تجمعات بشری را شکل داد. همه از او می گفتند و او را مالک اشتر علی خطاب می کردند. ولی امر مسلمین در فراقش اشک ها ریخت. هر جا سخنی گفت، یاد این سردار بزرگ را گرامی داشت. حتی برای آیندگان از مکتب سلیمانی گفت و اینکه باید راه و رسم او برای آیندگان ترسیم شود.

و اکنون وظیفه دانستیم که به بیان خاطراتی هر چند کوتاه از او پردازیم. این مطالب با سخنانی از مولای متقیان علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر - که این سرباز ولایت و این مالک زمان، به خوبی آن ها را عمل نمود - کامل گردید.

در پایان ذکر این نکته مهم است که هیچ کسی را نمی توان با اهل بیت علیهم السلام و حتی اصحاب خاص آنان مقایسه کرد. هیچ کس، حتی مثل و مانند این ستارگان آسمان ولایت نخواهد شد.

مالک اشتر به مقامی دست یافت که امام معصوم در وصفش خطبه خواند. ما قصد مقایسه هیچ کس را با سردار سپاه مولای علیه السلام نداریم، ولی مقصود ما این است که حاج قاسم ها، قدم در راهی نهادند که مولایشان در چهارده قرن پیش ترسیم نمود و امیدواریم ما نیز در همین مسیر گام برداریم.



دیباچه

اگر بخواهیم در مورد زندگی مالک اشتر، سپه سالار لشکر اسلام در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام تحقیق کنیم، از متون تاریخی اطلاعات زیادی به دست نخواهیم آورد. بیشترین و بهترین منبع را مولا علی علیه السلام در نهج البلاغه برای ما به یادگار نهاده است. نامه پنجاه و سه و برخی دیگر از حکمت‌ها و سخنان مولا، ما را با این شخصیت استثنایی آشنا می‌نماید.

برخی تاریخ‌نویسان نیز موارد کوتاهی از زندگی این مرد بزرگ نگاشته‌اند. مثلاً یکی از تاریخ‌نویسان به جمله‌ای استناد کرده که مالک در جنگ جمل به ریش سفید خود اشاره کرده و براساس آن گفته که مالک در سنین پیری به امیری لشکر مولا دست یافت.

یا دیگری بیان داشته: در زمان خلیفه دوم، عمار یاسر والی کوفه شد و در این دوران با جناب مالک که از بزرگان عراق و کوفه به حساب می‌آمد رفاقت داشت. عمار بارها برای مالک از علی علیه السلام گفت تا آنجا که مالک، عاشق دیدار و همراهی مولا علی علیه السلام شد. با آغاز حکومت مولا، مالک به سفارش عمار در رأس سپاه قرار گرفت و مورد اعتماد امام خویش بود. شهادت مالک در راه سرزمین مصر و به نیرنگ معاویه، برای امام بسیار سخت بود، چرا که هر جا دشمن نفوذ یا مشکلی ایجاد می‌کرد، مالک وارد عمل می‌شد...

اما انقلاب اسلامی ایران قرن‌ها پس از حکومت علی علیه السلام به پیروزی رسید. از میان سرداران و فرماندهان شجاع ایران، بسیاری در دوران دفاع مقدس به شهادت رسیدند و برخی نیز، داغ دوستان خود را بر دل داشته و مشغول جهاد شدند.

در این میان حاج قاسم سلیمانی یکی از خاص‌ترین و بهترین فرماندهان بود.

او در هر مسئولیتی که وارد می‌شد، بهترین تصمیم‌ها را می‌گرفت و با شجاعت، دشمنان را نابود می‌کرد. عظمت این سردار تا جایی پیش رفت که براساس نظر سنجی معتبرترین مراکز آمریکایی، او جزو ده شخصیت اثرگذار سال لقب گرفت. در ادامه مروری بر زندگی و عملکرد این دلاور قهرمان و این مالک زمان داریم:

تولد: ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ روستای قنات ملک کرمان

آشنایی با امام و انقلاب: ۱۳۵۷ از طریق شهید سیدرضا کامیاب

ورود به سپاه: بهار ۱۳۵۸ همزمان با کار در سازمان آب کرمان

حضور در ماجرای کردستان و مهاباد: تابستان ۱۳۵۸

فرماندهی پادگان قدس سپاه کرمان: اواخر سال ۱۳۵۸

تشکیل گردان رزمی کرمان و فرماندهی در جبهه: ۱۳۵۹

تشکیل و فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله: از سال ۱۳۶۰

فرماندهی نیروهای سه استان در جنگ: تا پایان سال ۱۳۶۷

فرماندهی مبارزه با اشراک و پاکسازی مرزهای شرقی: از سال ۱۳۶۷

فرماندهی سپاه قدس در بحران افغانستان و طالبان: از سال ۱۳۷۶

ارتباط با حزب الله لبنان و گروه‌های فلسطینی و...: از سال ۱۳۷۶

مدیریت حضور آمریکایی‌ها پس از اشغال عراق: از سال ۱۳۸۲

دریافت نشان سرلشکری از مقام عظمای ولایت: ۱۳۸۹

مدیریت مبارزه با داعش در عراق و سوریه: از سال ۱۳۹۳

اعلام رسمی پایان خلافت داعش: ۱۳۹۶

دریافت نشان ذوالفقار و لقب شهید زنده از رهبر انقلاب: ۱۳۹۷

شهادت به دست شیطان بزرگ در عراق: ۱۳ دی ۱۳۹۸

تشییع: ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸ به عنوان پرشکوه‌ترین مراسم در تاریخ ایران

حضور و فرماندهی معنوی مبارزه با استکبار: از زمان شهادت